

بررسی عوامل و آسیب‌های تاثیرگذار بر خانواده جانبازان بالای ۴۰ درصد جنگ

تحمیلی تحت پوشش بنیاد شهید و امور ایثارگران در استان خراسان جنوبی

مجری: حسن غوث^۱

ناظر علمی: مهدی خزاعی

چکیده:

نظر به این که جانبازان، الگوی فداکاری در جامعه‌ی ما هستند و همه‌ی ما به نوعی مدیون آنان می‌باشیم؛ بررسی مشکلات این قشر ضروری است. از این رو پژوهش حاضر، درصدد بررسی عوامل و آسیب‌های تاثیرگذار بر خانواده‌ی جانبازان بالای ۴۰ درصد جنگ تحمیلی تحت پوشش بنیاد شهید و امور ایثارگران در استان خراسان جنوبی است.

تحقیق حاضر از نوع پیمایشی بوده و جامعه‌ی آماری آن، جانبازان بالای ۴۰ درصد جنگ تحمیلی تحت پوشش بنیاد شهید و امور ایثارگران در استان خراسان جنوبی می‌باشد که به علت کم بودن تعداد افراد جامعه آماری (۱۶۹ نفر) کل آنها را به عنوان نمونه در نظر گرفتیم و در واقع از روش تمام شماری استفاده شد. ابزار این پژوهش، پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته بود. روایی پرسشنامه، با استفاده از روایی صوری و نظر متخصصان برآورد شد. پایایی نیز با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد که برابر ۰/۸۱ به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش همبستگی استفاده شد.

نتایج این تحقیق نشان داد که بین نحوه‌ی انتخاب شریک زندگی و طلاق؛ تعداد فرزندان جانبازان و سابقه آسیب‌های اجتماعی؛ تحصیلات و سابقه‌ی آسیب اجتماعی؛ تحصیلات جانبازان و اعتیاد به مواد مخدر و بالأخره بین سطح سواد و طلاق در بین جانبازان رابطه وجود ندارد؛ اما، بین میزان دخالت

^۱ - عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند

دیگران در زندگی زناشویی جانبازان و سابقه طلاق و همچنین بین میزان درآمد و آسیب‌های اجتماعی رابطه وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌های اجتماعی؛ خانواده؛ جنگ تحمیلی؛ جانبازان بالای ۴۰ درصد.

مقدمه

ما برای شناسایی و اولویت‌بندی مهم‌ترین مشکلات خانواده‌های جانبازان، نیازمند انجام پژوهش در این راه می‌باشیم؛ از سوی دیگر، هنوز هیچ‌گونه پژوهش علمی و کاربردی در راستای شناسایی آسیب‌های اجتماعی خانواده جانبازان در کشور انجام نشده است؛ بنابراین، انجام چنین تحقیقی، حداقل ادای دینی است در مقابل جانفشانی این عزیزان، تا مسؤولین محترم، نسبت به رفع این مسایل و بهبود وضعیت خانواده‌ی این بزرگواران اقدام بایسته و در خور آنان انجام دهند.

تحقیق حاضر، با عنوان «شناسایی آسیب‌های تاثیرگذار بر خانواده‌های جانبازان بالای ۴۰ درصد جنگ تحمیلی در خراسان جنوبی»، یکی از این تحقیقات میدانی است که تلاش می‌کند با دقت نظر به شناسایی

بسیاری از صاحب‌نظران، نابهنجاری‌های اجتماعی در خانواده را دلیل فروپاشی خانواده‌ی سنتی می‌دانند و برای حل این بحران پیشنهادهاتی مثل: اصلاح برنامه‌های رفاهی و تأکید مجدد بر تقدس ازدواج، دارند. چنین برنامه‌هایی دارای ساختی تشدیدشونده است؛ به طوری که موجب تشدید بروز نابهنجاری در دوره‌های بعدی می‌شود و اعضای خانواده را علیه اجتماع و انتظارات آن ترغیب می‌نماید؛ بنابراین، برای پیش‌گیری از عواقب نامطلوب و غیرقابل‌کنترل آن در آینده، ضرورت دارد که با استمداد از تحقیقات علمی، به کشف ماهیت پیش‌گیری و اصلاح میزان آسیب‌های اجتماعی خانواده و بالأخص خانواده‌های جانبازان بالای ۴۰ درصد اقدام شود.

همه‌ی مشکلات نمونه‌ی ۱۴۰ نفری پردازد و راه کارهای لازم را جهت حل آن‌ها پیشنهاد دهد؛ در نتیجه، سازمان نیز خواهد توانست با اجرای آن‌ها، به هدف خود، که آرامش و آسایش این عزیزان است، دست‌یابد.

پژوهش‌های مختلفی در زمینه‌های مرتبط صورت گرفته است از جمله: کی‌نیا (۱۳۸۲)، در پژوهشی تحت عنوان «بررسی فراوانی انواع اختلالات روانی در جانبازان و معلولین شهر کرمان» به این نتیجه رسید که براساس نتایج این مطالعه، بالاترین میانگین در بین مقیاس‌های SCL۹۰R مربوط به مقیاس پرخاشگری، افسردگی و شکایات جسمانی بود؛ هم‌چنین بین افزایش مقیاس شکایات جسمانی با درصد جانبازی، افزایش مقیاس روان‌پریشی و مدت حضور در جبهه و افزایش مقیاس ترس مرضی و مجرد رابطه‌ی معنا داری وجود داشت.

نوروزی (۱۳۷۳)، در تحقیقی تحت عنوان «بررسی تأثیر آموزش روش‌های آرام‌سازی، بر اضطراب جانبازان ضایعات نخاعی بستری در بیمارستان های بنیاد مستضعفان و جانبازان در سال ۱۳۷۳» به

این نتیجه رسید که: با اطمینان ۹۹ درصد، آموزش روش‌های آرام‌سازی، بر میزان اضطراب، فشار خون سیستولیک و دیاستولیک، نبض و تنفس تأثیر داشته است. در این پژوهش متغیرهای سن، سابقه‌ی جانبازی، وضعیت تحصیلی، وضعیت تأهل، داشتن یا نداشتن فرزند، داشتن یا نداشتن شغل، محل اقامت و تأثیر آن‌ها بر میزان اضطراب جانبازان ضایعات نخاعی، مورد بررسی قرار گرفت که بین متغیر سابقه‌ی جانبازی و تأثیر آموزش آرام‌سازی، رابطه‌ی معنادار آماری نسبی وجود داشت و بین سایر متغیرها، با آرام‌سازی، همبستگی معنادار وجود نداشت.

خیری (۱۳۷۲)، در تحقیقی تحت عنوان «بررسی و مقایسه‌ی میزان افسردگی جانبازان قطع نخاعی مقیم آسایشگاه با جانبازان قطع نخاعی که با خانواده زندگی می‌کنند» به این نتیجه رسید که: افسردگی جانبازان قطع نخاعی مقیم آسایشگاه، بیش‌تر از جانبازان قطع نخاعی که با خانواده زندگی می‌کنند، می‌باشد. هم‌چنین میزان افسردگی با طول مدت معلولیت، میزان تحصیلات و

سن رابطه‌ی معکوس یا عواملی مانند تعداد افراد تحت تکفل رابطه‌ای مستقیم دارد. بین میزان افسردگی و درآمد ماهانه، رابطه‌ی معنا داری وجود ندارد. جانبازان پاراپلژیک مجرد، نسبت به جانبازان متأهل از افسردگی بیش‌تری برخوردارند.

هدف‌های پژوهش حاضر، عبارتند از: بررسی رابطه‌ی بین نحوه‌ی انتخاب شریک زندگی و طلاق، بررسی رابطه‌ی بین میزان دخالت دیگران در زندگی زناشویی جانبازان و سابقه‌ی طلاق، بررسی رابطه‌ی بین تعداد فرزندان جانبازان و سابقه‌ی آسیب‌های اجتماعی، بررسی رابطه‌ی بین تحصیلات و سابقه‌ی آسیب اجتماعی، بررسی رابطه‌ی بین تحصیلات جانبازان و اعتیاد به مواد مخدر، بررسی رابطه‌ی بین میزان درآمد و آسیب‌های اجتماعی و بررسی رابطه‌ی بین سطح سواد و طلاق در بین جانبازان.

در این پژوهش، هفت سؤال مطرح بوده‌اند که عبارتند از: ۱- آیا بین نحوه‌ی انتخاب شریک زندگی و طلاق رابطه وجود دارد؟ ۲- آیا بین میزان دخالت دیگران در زندگی زناشویی جانبازان و سابقه‌ی طلاق

رابطه وجود دارد؟ ۳- آیا بین تعداد فرزندان جانبازان و سابقه‌ی آسیب‌های اجتماعی رابطه وجود دارد؟ ۴- آیا بین تحصیلات و سابقه‌ی آسیب اجتماعی رابطه وجود دارد؟ ۵- آیا بین تحصیلات جانبازان و اعتیاد به مواد مخدر رابطه وجود دارد؟ ۶- آیا بین میزان درآمد و آسیب‌های اجتماعی رابطه وجود دارد؟ ۷- آیا بین سطح سواد و طلاق در بین جانبازان، رابطه‌ی معکوس وجود دارد؟

روش

با توجه به موضوع و اهداف پژوهش حاضر، روش تحقیق از نوع پیمایشی^۱ و مقطعی می‌باشد. در این تحقیق، داده‌ها از طریق روش پیمایشی و با استفاده از پرسش‌نامه به‌دست آمده است. هم‌چنین از مطالعات کتابخانه‌ای (شامل کتب، نشریات، طرح‌های تحقیقاتی انجام‌شده پیرامون موضوع) جهت رسیدن به زمینه‌های تئوریک استفاده شده است و سعی شده است شرایط

۱. survey

لازم برای انجام یک بررسی تجربی علمی مناسب رعایت شود.

کرانباخ محاسبه شد که برابر $0/81$ به دست آمد.

جامعه‌ی آماری این تحقیق، شامل تمامی جانبازان تحت پوشش بنیاد شهید و امور ایثارگران خراسان جنوبی می‌باشد که درصد جانبازی آنان حداقل 40 درصد بوده و برابر اطلاعات به دست آمده از سازمان، تعداد کل آن‌ها 169 نفر است. با توجه به اندک بودن جامعه‌ی آماری، به تمام افراد واجد شرایط مراجعه شده و نسبت به تکمیل پرسش‌نامه اقدام گردیده است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی مانند جداول توزیع فراوانی و نمودارها جهت توصیف نمونه استفاده شد و برای بررسی فرضیات از روش ضریب همبستگی استفاده شد.

نتایج

فرضیه‌ی اول: بین نحوه‌ی انتخاب شریک زندگی و طلاق، رابطه وجود دارد.

چون رابطه‌ی بین دو متغیر مطرح است، برای بررسی این فرضیه، از آزمون ضریب همبستگی استفاده شده است. نتایج در جدول زیر بیان شده است. ضریب همبستگی برابر $0/30$ می‌باشد که در سطح $0/736$ معنادار است. چون سطح معناداری از $0/05$ بیش‌تر است، این فرضیه رد می‌شود و براساس یافته‌های پژوهش حاضر: بین نحوه‌ی انتخاب شریک زندگی و طلاق رابطه وجود ندارد.

جدول شماره‌ی ۱: نتایج همبستگی

متغیرهای فرضیه‌ی اول

ابراز پژوهش حاضر، پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته با 32 سؤال بود. برای تدوین فرم اولیه این پرسشنامه از نظر کارشناسان بنیاد شهید و متخصصان روان‌سنجی استفاده شد. پس از تدوین فرم اولیه، این فرم در یک مطالعه مقدماتی اختیار یک نمونه کوچک قرار گرفت و پس از تحلیل پرسشنامه‌های اجرا شده و اعمال تغییرات لازم فرم نهایی پرسشنامه تدوین شد. روایی پرسش‌نامه، با استفاده از روایی صوری و نظر متخصصان برآورد شد. پایایی نیز با استفاده از آلفای

جدول شماره ۲: نتایج همبستگی

متغیرهای فرضیه دوم

		میزان دخالت دیگران در زندگی زناشویی
سابقه‌ی طلاق	ضریب همبستگی	* ۰/۲۱۹
	سطح معناداری	۰/۰۱۳
	تعداد نمونه	۱۲۸

* ضریب همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار

است

فرضیه‌ی سوم: بین تعداد فرزندان جانبازان و سابقه‌ی آسیب‌های اجتماعی رابطه وجود دارد.

در این‌جا نیز، چون رابطه‌ی بین دو متغیر مطرح است، از آزمون ضریب همبستگی استفاده کرده‌ایم. نتایج در جدول شماره ۳ بیان شده‌است. ضریب همبستگی برابر ۰/۱۳۰- می‌باشد که در سطح ۰/۱۴۳ معنادار است و چون سطح معناداری از ۰/۰۵ بیش‌تر است، این فرضیه رد می‌شود و نتیجه می‌گیریم که براساس یافته‌های پژوهش

		نحوه‌ی انتخاب شریک زندگی
طلاق	ضریب همبستگی	۰/۰۳۰
	سطح معناداری	۰/۷۳۶
	تعداد نمونه	۱۲۸

فرضیه‌ی دوم: بین میزان دخالت دیگران در زندگی زناشویی جانبازان و سابقه‌ی طلاق رابطه وجود دارد.

در این‌جا نیز، چون رابطه‌ی بین دو متغیر مطرح است، از آزمون ضریب همبستگی استفاده شده است. نتایج در جدول شماره ۲ بیان شده‌است. ضریب همبستگی، برابر ۰/۲۱۹ می‌باشد که در سطح ۰/۰۱۳ معنادار است و چون سطح معناداری از ۰/۰۵ کم‌تر است، این فرضیه تأیید می‌شود و براساس یافته‌های پژوهش حاضر: بین میزان دخالت دیگران در زندگی زناشویی جانبازان و سابقه‌ی طلاق، رابطه وجود دارد. چون رابطه مستقیم است، نشان‌دهنده‌ی این است که هرچه دخالت دیگران در زندگی زناشویی جانبازان بیش‌تر بوده، سابقه‌ی طلاق نیز بیش‌تر بوده است.

حاضر، بین تعداد فرزندان جانبازان و سابقه‌ی آسیب‌های اجتماعی رابطه‌ای وجود ندارد.

جدول شماره ۳: نتایج همبستگی

متغیرهای فرضیه‌ی سوم

		تعداد فرزندان
آسیب‌های اجتماعی	ضریب همبستگی	-۰/۱۳۰
	سطح معناداری	۰/۱۴۳
	تعداد نمونه	۱۲۸

فرضیه‌ی چهارم: بین تحصیلات و سابقه‌ی آسیب اجتماعی، رابطه وجود دارد.

در این جا نیز، چون رابطه‌ی بین دو متغیر

مطرح است، از آزمون ضریب همبستگی

استفاده شده است. نتایج در جدول شماره‌ی

۴ بیان شده است. ضریب همبستگی برابر

۰/۰۳۸ می‌باشد که در سطح ۰/۶۷۱ معنادار

است و چون سطح معناداری از ۰/۰۵ بیش‌تر

است، این فرضیه رد می‌شود و نتیجه

می‌گیریم که براساس یافته‌های پژوهش

حاضر: بین تحصیلات و سابقه‌ی آسیب

اجتماعی رابطه وجود ندارد.

جدول شماره ۴: نتایج همبستگی

متغیرهای فرضیه‌ی چهارم

		تحصیلات
سابقه‌ی آسیب اجتماعی	ضریب همبستگی	۰/۰۳۸
	سطح معناداری	۰/۶۷۱
	تعداد نمونه	۱۲۸

فرضیه‌ی پنجم: بین تحصیلات جانبازان و

اعتیاد به مواد مخدر، رابطه وجود دارد.

در این جا نیز، چون رابطه‌ی بین دو متغیر

مطرح است، از آزمون ضریب همبستگی

استفاده شده است. نتایج در جدول شماره‌ی

۵ بیان شده است. ضریب همبستگی برابر

۰/۰۰۸- می‌باشد که در سطح ۰/۹۲۹ معنادار

است و چون سطح معناداری از ۰/۰۵ بیش‌تر

است، این فرضیه رد می‌شود و براساس

یافته‌های پژوهش حاضر: بین تحصیلات

جانبازان و اعتیاد به مواد مخدر رابطه‌ای

وجود ندارد.

جدول شماره ۵: نتایج همبستگی

متغیرهای فرضیه ی پنجم

	تحصیلات	
اعتیاد به مواد مخدر	ضریب همبستگی	-۰/۰۰۸
	سطح معناداری	۰/۹۲۹
	تعداد نمونه	۱۲۸

فرضیه ی ششم: بین میزان درآمد و آسیب‌های اجتماعی، رابطه وجود دارد.

در این جا نیز، چون رابطه ی بین دو متغیر مطرح است، از آزمون ضریب همبستگی استفاده شده و نتایج در جدول شماره ی ۶ بیان شده است. ضریب همبستگی برابر ۰/۱۷۴- می باشد که در سطح ۰/۰۴۹ معنادار است و چون سطح معناداری از ۰/۰۵ کم تر است این فرضیه تأیید می شود و براساس یافته های پژوهش حاضر: بین میزان درآمد و آسیب‌های اجتماعی رابطه وجود دارد. با دقت در ضریب همبستگی و منفی بودن آن، به این نتیجه می رسیم که هر چه درآمد بیش تر باشد، آسیب‌های اجتماعی کم تر می شود و

برعکس هر چه درآمد کم تر باشد، آسیب‌های اجتماعی بیش تر می شود.

جدول شماره ۶: نتایج همبستگی

متغیرهای فرضیه ی ششم

	میزان درآمد	
آسیب‌های اجتماعی	ضریب همبستگی	-۰/۱۷۴*
	سطح معناداری	۰/۰۴۹
	تعداد نمونه	۱۲۸

* ضریب همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار

است.

فرضیه ی هفتم: بین سطح سواد و طلاق در بین جانبازان، رابطه ی معکوس وجود دارد. در این جا نیز، چون رابطه ی بین دو متغیر مطرح است، از آزمون ضریب همبستگی استفاده شده و نتایج در جدول شماره ی ۷ بیان شده است. ضریب همبستگی برابر ۰/۰۳۸ می باشد که در سطح ۰/۶۷۱ معنادار است و چون سطح معناداری از ۰/۰۵ بیش تر است، این فرضیه رد می شود و براساس یافته های پژوهش حاضر: بین سطح سواد و طلاق در بین جانبازان، رابطه وجود ندارد.

جدول شماره ۷: نتایج همبستگی متغیرهای

فرضیه‌ی هفتم

	سطح سواد	
تعلیمی	ضریب همبستگی	۰/۰۳۸
	سطح معناداری	۰/۶۷۱
	تعداد نمونه	۱۲۸

بحث و نتیجه‌گیری

براساس نتایج پژوهش حاضر، بین نحوه‌ی انتخاب شریک زندگی و طلاق؛ تعداد فرزندان جانبازان و سابقه آسیب‌های اجتماعی؛ تحصیلات و سابقه آسیب اجتماعی؛ تحصیلات جانبازان و اعتیاد به مواد مخدر و همچنین بین سطح سواد و طلاق در بین جانبازان رابطه وجود ندارد؛ در حالی که، بین میزان دخالت دیگران در زندگی زناشویی جانبازان و سابقه‌ی طلاق و همچنین بین میزان درآمد و آسیب‌های اجتماعی، رابطه وجود دارد.

در حال حاضر، نارسایی بسیاری از نظریه‌های مربوط به آسیب‌شناسی اجتماعی از یک سو و نسبیتی که در قلمرو ارزش‌ها و هنجارهای جوامع مختلف وجود دارد از سوی

دیگر، تلقی یکسان را از کجروی سلب نموده است. لذا، به‌طور کلی، پیشنهادات ذیل جهت رفع مشکلات جانبازان ارائه می‌گردد: در درجه‌ی اول: ضرورت بازگشت به مبانی فرهنگ خودی و زیرساخت‌های آن، محققین جامعه‌ی اسلامی را وادار می‌کند تا از سرچشمه‌ی زلال و بی‌کران معارف اسلامی بهره گرفته و قرآن را که کتاب زندگانی است از مهجوریت خارج نموده و آن را کانون توجهات علمی و عملی خود قرار دهند.

در مرتبه‌ی دوم: فراهم نمودن بسترهای مناسب برای دسترسی افراد به موقعیت‌های مناسب و کافی، اعم از آموزش و پرورش، تدوین و اجرای سیاست‌های کلی جهت ایجاد اشتغال برای جانبازان، تشکیل گروه‌های اجتماعی با هدف ارتقای مهارت‌های تربیتی والدین، تلاش در جهت برخورداری اعضای جامعه‌ی جانبازان از نیازهای اساسی زندگی، تلاش در جهت کاهش شکاف اقتصادی در بین جانبازان و دستیابی به عدالت اجتماعی و... که البته این راه‌کارها با تأسی به مبانی فرهنگ ایران اسلامی-که مکمل همدیگر هستند-امکان پذیر است.

منابع :

- خیری، فریدون(۱۳۷۲)؛ بررسی و مقایسه‌ی میزان افسردگی جانبازان قطع‌نخاعی مقیم آسایشگاه، با جانبازان قطع‌نخاعی که با خانواده زندگی می‌کنند، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران، منتشر نشده.
- سلیمی، علی و داوری(۱۳۸۰)؛ جامعه‌شناسی کج‌روی، قم: پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه .
- شیخاوندی، داور(۱۳۷۳)؛ جامعه‌شناسی انحرافات، گناباد: نشر مرنديز.
- کی‌نیا، فرزین(۱۳۸۲)؛ بررسی فراوانی انواع اختلالات روانی در جانبازان و معلولین شهر کرمان، پایان‌نامه‌ی(دکتری)، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی‌درمانی کرمان، منتشر نشده.
- مساواتی آذر، مجید(۱۳۷۴)؛ آسیب‌شناسی اجتماعی ایران، تبریز: انتشارات نوبل.
- نوروزی، حجتی‌محمد(۱۳۷۳)؛ بررسی تأثیر آموزش روش‌های آرام‌سازی بر اضطراب جانبازان ضایعات نخاعی بستری در بیمارستان‌های بنیاد مستضعفان و جانبازان در سال ۱۳۷۳، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، منتشر نشده.